

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اِشْرَحْ لِی صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً

مِنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي."

اگست 2022

محرم/صفر

شماره دو صد و نود نهم

اما تفسیر فهم انسان از کلام الله و عبارات آن از انسان است ، انسان بگیری از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم معصوم نیست و خطاً در انسان جائز میباشد. مفسرین در برداشت از آیات قرآن کریم با هم اختلاف نظر میداشته باشند و اختلاف در تفسیرات آیات یک امر طبیعی است و از همین جا اشتباه و اختلاف پیش می آید.

قوامه که در قرآن کریم ذکر شده خاص برای شوهر نیست و نباید یک امر عام را خاص ساخت و حکم عام را بالای یک امر خاص تطبیق کرد. در قرآن کریم می خوانیم: **{ الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم}** **(النساء : 34)** . مردان بر زنان حمایت و سرپرستی دارند بخاطر آنکه خداوند بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است و بخاطر آنکه مردان از اموال شان (برای نفقه زن و مصارف خانواده) خرج می کنند.

اگر بدقت و بدون تعصب به آیه مبارکه دقت شود می بینیم که موضوع آیه مبارکه مردان و زنان است به عبارت دیگر بصیغه جمع آمده و مخصوص برای شوهر و زن نیست یعنی حکم آن عام است باین معنی

فضل غنی مجددی

« الرجال قوامون علی النساء »

مشکل بزرگ که امروز در جهان اسلام و غیر اسلام موجود است در عدم فهم صحیح از کلمه **(القوامه)** است . القوامه را اکثر مردم تسلط مرد بالای زن می دانند . انجمن های حقوق انسان و مدافعین حقوق زنان قوامه را ظلم از جانب اسلام به حق زن میدانند و عده از مسلمانان که دانش و فرهنگ اسلامی شان محدود است نیز در فهم و معنی قوامه اشتباه نموده اند و قوامه را تسلط مرد بالای زن می دانند .

قبل از اینکه در مورد اصطلاح قوامه بحث نمائیم قابل تذکر است : قرآن کریم کلام الله سبحانه و تعالی است ، عبارات آن از خداوند متعال است و تغیر و تبدیل در آن راه و یا جا ندارد و به ترتیب که برای رسول اکرم صلی الله علیه نازل شده باید به آن ایمان کامل و تصدیق و یقین داشت . قرآن کریم معصوم و خداوند و عده حفظ آنرا داده و حفظ آنرا مانند کتب سماوی دیگر قبل از قرآن که برای پیروان آن داده بود نیست و پیروان کتب سماوی در کلام الله تبدیل و تحویل را آوردند.

الرجال قوامون /

مرد برای آماده کردن آنچه زن ضرورت دارد است و در نهایت تشریف و عزت و ارج گذاشتن به مقام زن است.

قوامون علی النساء باین معنی که مرد همیشه و بطور مستمر و دائم برای خدمت زن که نشسته و آسوده میباشد حاضر و آماده است. در اینجا قوامه یعنی مرد مکلف به رعایت مصالح و منافع و خدمت زن است به عبارت دیگر قوامه یعنی مکلفیت. پس قوامه تکلیف و مسئولیت برای مرد است نه امتیاز و تسلط بالای زن.

علامه شیخ الشعراوی در معنی و مفهوم قوامه در تفسیر خود می نویسد: قوامه وجه تفضیل یعنی سعی و کوشش بی حساب از جانب مرد برای زن و حاضر بودن مرد در هر وقت بخدمت زن است. به عبارت دیگر مبالغه در خدمت زنان (خواهران و مادران و دختران و همسران).

شهید سید قطب در تفسیر قوامه می نویسد: قوامه به معنی رخصت و اجازه برای مرد نیست که زن را اذیت کند. قوامه معنی آن الغای شخصیت زن در منزل و جامعه ای انسانی نیست و قوامه معنی آن الغای حق مدنی زن نیست. قوامه وظیفه از وظائف داخل مؤسسه خانوادگی است و این وظیفه عبارت از حفظ و حمایت مبادئ و قییم داخل مؤسسه خانوادگی است و قوامه در نظام خانوادگی شخصیت دیگران و حقوق شرکاء را لغو نمی سازد و اسلام صفت قوامه را در وجود مرد عطف و مهربانی و حفاظت و حمایت و رعایت برای زن می داند و مرد را مکلف به آداب و روش پسندیده بازن و اولاد می نماید.

که پدر مسئول دختران اش و برادر مسئول خواهرانش و شوهر مسئولیت همسرش را دارد.

معنی ادبی و زبانی قوامه: در ادبیات زبان عربی قوامه به معنی قائم بودن بیک امر، باین معنی که شخص برای اجرائی یک امر و جهت محافظت و منافع و مصالح شخص دیگر بصورت دائم و بدون توقف آماده و حاضر میباشد. قوامه در مورد زن و شوهر باین معنی است که شوهر برای آماده کردن وسائل راحت زن خود قائم یعنی بطور دائم آماده و حاضر و در خدمت می باشد.

قوامه در اسلام مجرد یک اصطلاح نیست که بخوانیم و از آن بگذاریم، قوامه ضمن احکام شریعت است که ضوابط و اساس قانونی و رابطه بین دو جنس (زن و مرد) را می سازد.

قوام برون فعال برای قیام است به عبارت دیگر قوام صیغه مبالغه برای قیام است. مثلا اگر گفته شود که فلان شخص قائم بامر فلان شخص است، به این معنی شخص هرگز جلوس نمی کند و همیشه برای حفظ مصالح فلان شخص ایستاده است به معنی دیگر شخص قائم مسئولیت، رعایت و حفاظت کاری را دارد که به آن مأمور شده است. به معنی دیگر شخص قائم به یک امر همیشه آماده ای خدمت میباشد تا شخص دیگر آرام و آسوده خاطر باشد. شیخ البغوی می گوید: القوام و القیم واحد است و معنی آن قائم بودن به مصالح و اداره و تأدیب است و در اصطلاح قوامه به معنی ولی امر است و فقهاء قوامه یا ولایت را بالای قاصر و برای حفاظت اوقاف و همچنان زن استفاده کرده اند. قوام بودن مرد بالای زن یعنی مرد رعایت و محافظت زن را متحمل میباشد و قوامه در ساحة خانوادگی به معنی مکلفیت

الرجال قوامون /

برای مطالعه بیشتر خواهشمندم به کتاب جدید بنده بنام « ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی » مراجعه فرمایید.

فضل غنی مجددی

مشکلات و مسؤلیت های مسلمانان در غرب

مشکلات معاصر مسلمانان را در عصر حاضر در غرب و حتی در شرق اسلامی می توان به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. عدم حضور در جامعه جهانی.
2. باقی ماندن در صفحات تاریخ.
3. در حاشیه کشاندن.

امت اسلامی (هزار و هفتصد میلیون) در مراحل ضعف و ناتوانی قرار دارد و هر روز از ضعف به ضعف بیشتر میرسد. استبداد سیاسی، ظلم اجتماعی، اشغال فرهنگی و نظامی، جهل امت به علوم معاصر، عدم شناخت دوست و دشمن، عدم فهم صحیح از نصوص اسلامی و تفسیر آن به هوای نفس، عدم مسؤلیت علماء و جامعه مدنی، تبدیل معنویات و روحانیت به شیطانیت، تقلید از گذشته گان، عدم قبول نظریات فقهی معاصر و اجتهادات جدید، حل مشکلات معاصر به اساس نظریات گذشته که در عصر حاضر قابل تطبیق نیست. این امور در مجموع اسباب عقب گرائی و مشکلات معاصر مسلمانان را می سازد.

در عصر حاضر با تمام مشکلات که سیاستمداران افراطی غرب برای مسلمانان خلق می کنند و کوشش دارند تا باشندگان اصلی غرب را قناعت دهند که موجودیت مسلمانان در غرب خطر بزرگ برای

از مطالعه قوامه و تفسیر آیات قرآن کریم در مورد آن باین نتیجه میرسیم: قوامه در اصل حق و امتیاز برای زن است نه فضیلت برای مرد. بعضی مفکرین و دانشمندان اسلامی و در بین شان دکتور و مفکر اسلامی « بسام جرار »، قوامه را تفسیر کاملاً مغایر از تفسیرات دیگران می کند. دکتور بسام در مورد قوامه می گوید: قوامه حق و عزت و شرف برای زن است نه فضیلت و برتری برای مرد به دلیل اینکه در قرآن کریم می خوانیم: **{ بما فضلهم علیهن }** نص قرآن کریم واضح است « بما فضل بعضهم علی بعض » یعنی مرد با فضیلت و زن با فضیلت است و فضیلت در ادبیات زبان معانی زیاد دارد.

اگر به دائره المعارف زبان مراجعه نمائیم، قوامه معنی آن اداء واجبات مرد در مقابل زن است به معنی دیگر قوامه حق زن بالای مرد است. حق قوامه تا زمانی از حقوق شوهر میباید که او به واجبات اش قسمیکه قرآن کریم ذکر نموده بپردازد و اگر شوهر به واجبات اش نمی پردازد حق قوامه از او سلب می شود. قوامه تنها ارتباط به مصارف مادی برای زندگی نیست، بلکه شامل معنویات نیز میباید. اکرام یا تکریم زن مسلمان و تعظیم از مقامش بصفه انسان نیز ضمن قوامه است و در نهایت قوامه صفت و امتیاز برای زن است نه تقلیل از مقام او.

در فرهنگ اسلام فکر تسلط گرائی بین زن و مرد نیست و در منهج و روش اسلام زن و مرد برای بدست آوردن تسلط بالای یکدیگر کوشش نمی کنند و مرد حق تهاجم بالای زن و زن حق انقلاب علیه مرد را ندارد و زن و مرد یکدیگر شان را تکمیل می کنند.

مشکلات و مسئولیت /

مسلمانان که اقلیت را می ساختند به اقلیت های مذهبی و قومی کوچکتر تبدیل شدند .

این وضعیت تا اواخر قرن بیستم ادامه یافت تا اینکه علمای مهاجر (دکتور ماهر حتوت ، حسان حتوت و دکتور صقر و غیره) متوجه مشکلات مسلمانان و وسط اسلامی را بهترین راه حل برای مشکلات معاصر مسلمانان در غرب معرفی کردند و مسلمانان را از پیروی نظریات فقهی متشدد منع کردند و در نهایت فقه آسان تدوین و ترتیب گردید .

فقه های معاصر و محققین معاصر باین نتیجه رسیدند که حضور و موجودیت مسلمانان در غرب یک ضرورت اسلامی است و در مقابل مسلمانان نیز در جوامع غرب بدون مسئولیت نیستند و مسلمانان باید مسئولیت های خود را درک کنند و اهم مسئولیت مسلمان در غرب عبارت است از:

- مسئولیت مسلمان نسبت به خودش .
- مسئولیت مسلمانان نسبت به خانواده .
- مسئولیت مسلمان در برابر مسلمانان .
- مسئولیت با غیر مسلمانان و باشندگان اصلی غرب .
- اهتمام به تعلیم و تربیت و کمک برای جوانان تا تحصیلات عالی را تکمیل نمایند .
- اهتمام به ازدواج بین مسلمانان و حل منازعات خانوادگی .
- تأسیس انجمن ها و اتحادیه ها به دلیل اینکه عصر حاضر عصر مؤسسات و انجمن ها است و فعالیت های انفرادی نتیجه ندارد .

مدنیت غرب و دین عیسویت است . موجودیت مسلمانان در غرب یک واقعیت غیر قابل انکار شده است . این حقیقت است که مسلمانان در جوامع غربی اقلیت را می سازند اما اقلیت های غیر اسلامی در غرب زندگی دارند که مسلمانان نسبت به آنها اکثریت را تشکیل میدهند . تأثیر گذاشتن یا وارد کردن در سیاست جهانی ارتباط به تعداد ندارد و یک اقلیت منظم و فعال می تواند با استفاده از دیموکراسی غرب و همکاری با مؤسسات مدنی نقش فعال و منظم را داشته باشد . با اینکه انتخابات در غرب به اساس رأی هر فرد است اما پیروزی در نهایت از یک اقلیت منظم و فعال و دارای برنامه سیاسی و اقتصادی میباشد .

حضور مسلمانان در غرب :

مسلمانان بدون پلان و مطالعه در مرور زمان اقلیت اسلامی را در غرب ساختند و جزء از جامعه غرب شدند . در اوائل مسلمانان زیاد متوجه علوم معاصر و تربیت و حفاظت نسل های بعدی به روش اسلام معاصر نبودند و می خواستند تا در جامعه جدید زنده باشند و کار کنند و بدین سبب تعداد دانشمندان از مسلمانان در غرب نسبت به یهودیان کمتر است .

در مسائل عبادت هر گروه از مدرسه فقهی که در کشور شان آموخته بودند پیروی کردند و مسلمانان در ابتداء متوجه نشدند که جامعه جدید روش جدید و متفاوت را میخواهد . علماء و فقهاء نیز در مرحله اول متوجه این مشکل نشدند و برای حل مشکلات معاصر مسلمانان در جامعه غرب کار مهم و اساسی را انجام ندادند و مسلمانان با اساس مدارس فقهی و زبانی و قومی مساجد و مراکز اجتماعی تأسیس کردند مثل مسجد عرب ها و پاکستانی ها و اخیرا افغانها و بدین ترتیب

مشکلات و مسئولیت /

اما آیا مسلمانان با عقلیت خرافی و روش فکری غیر صحیح می توانند از حاشیه بیرون شوند و نقش مثبت و فعال را در ساحة جهانی بازی کنند؟ بلی ! امکان دارد اما بشرطیکه از فقه معاصر استفاده شود و مردم در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از نظریات و اجتهادات معاصر استفاده کنند و آنچه به نفع دین و زندگی دنیا باشد به آن اهمیت بیشتر بدهند و از مدارس فقهی معاصر که امتداد مدارس گذشته و با تعدیلات است استفاده نمایند.

فقه معاصر عناوین ذیل را حمل میکند :

فقه واقعی ، فقه مصلحت ، فقه موازنات ، فقه اولویات، فقه اقتصادی ، فقه اجتماعی و فقه سیاسی.

نقد داخلی

نقد داخلی و اصلاح فرهنگ و ثقافت معاصر و بیرون ساختن آنچه از اسلام نیست و داخل فرهنگ و ثقافت اسلامی گردیده . نفی اختلافات مذهبی و قومی و زبانی و همکاری در مسائل و موضوعات که برای جامعه اسلامی اهمیت اولی دارد و دوری از موضوعات که در آن اختلاف نظر است . قبول نظریات سیاسی متفاوت و قبول تعددی احزاب در نظام اسلامی . نفی دیکتاتوری و استبداد سیاسی و استبداد زیر نام دین و مبارزه علیه اشغال نظامی و استعمار فکری و مقاومت فرهنگ غیر معقول و وارد شده از خارج . حمایت حقوق انسان و تطبیق عدالت اسلامی بصورت مساوی بین زن و مرد و افراد جامعه . تقبیح قلبی از اعمال تروریستی زیر نام دین . معرفی حقائق اسلام برای جامعه غرب . عدم تعصب به حزب واحد در کشور اسلامی به هدف

أهم مشکلات مسلمانان در غرب :

مهمترین مشکلات مسلمانان در غرب عبارت اند از:
1- تعصبات مذهبی و قومی و زبانی که از میراث گذشته گان است.
2- تشدد در مسائل مذهبی و عدم مراعات زمان و مکان در تطبیق مسائل فقهی.
دانشمندان معاصر اسلامی باین عقیده و نظر اند که یک مذهب به تنهایی قدرت حل مشکلات معاصر مسلمانان را ندارد و اما مذاهب اسلامی جمع نظریات جدید اجتهادی میتواند مشکلات معاصر را حل و فصل نماید به معنی دیگر مذاهب اسلامی بصورت جمع میتوانند راه حل مشکلات باشند .

جهت حل مشکلات معاصر در غرب علماء مدرسه جدید فقهی را بنام « فقه اقلیت های اسلامی در غرب » تأسیس کردند . در تدوین فقه جدید از نظریات گذشته و اجتهادات معاصر استفاده شده است . در مقدمه این فقه جدید آمده: نمی توانیم مشکلات معاصر را به عقل مردگان حل نمائیم باین معنی که نمی توان مشکلات معاصر را در روشنی نظریات گذشته حل کرد . عقلیت روشن و فکر معاصر و فقه واقعی میتواند جواب گوی مشکلات معاصر مسلمانان در غرب باشد .

فقه معاصر به سؤالات ذیل جوابگو است :

آیا با احزاب غیر اسلامی همکاری شرعا جواز دارد . آیا مسلمان می تواند عضویت احزاب سیاسی را در غرب داشته باشد . آیا میتوان با استفاده از قرضه با مفاد از بانکها استفاده کرد . آیا میتوان عضو قوای نظامی در غرب شد و صد ها سؤال که فرد مسلمان به آن مواجه است .

مشکلات و مسئولیت /

های اسلامی یکی بعد از دیگر به دامان غرب سقوط خواهد کرد.

(برای معلومات بیشتر به سایت : فرهنگ و ثقافت اسلامی « islaminfo.one » و کتاب « روش فکر معاصر اسلامی » و کتاب « فقه اقلیات های اسلامی در غرب مراجعه فرماید).

اهانت به مقام حضرت رسول اکرم**صلی الله علیه و سلم**

در این اواخر وسائل تبلیغات در جهان غرب و حزب حاکم در هندوستان، اهانت به مقام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم وارد و میخوانند از این راه غربی ها را علیه مسلمانان و اسلام تشویق و ترغیب و تاریخ جنگهای صلیبی را تجدید و تازه سازند. این سیاست بنفع جهان غرب و شرق نیست و فقط گروهی سوم از آن سود می برد.

اهانت به مقام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و تمام انبیاء علیهم السلام اسباب غضب مسلمانان را برانگیخته و مسلمانان بدرجات مختلف و متفاوت به جواب دشمنان اسلام می پردازند و در بسا موارد غضب مسلمانان بدرجه می رسد که از دائره اعتدال خارج و نمیتوانند نظر به محبت که به خاتم الانبیاء دارند در مقابل اهانت ها سکوت نمایند و این طبیعت دین اسلام و مؤمنین است.

تمسخر و اهانت و اذیت و تکذیب انبیاء و مؤمنین مسأله و موضوع جدید نیست بلکه ریشه هایی تاریخی دارد و تا زمانیکه حق و باطل، ایمان و کفر، توحید و شرک، استبداد و آزادی، ظلم و عدالت در جهان باشد اذیت و توهین به انبیاء و خصوصاً اسلام

تقویت و حفظ وحدت اسلامی بین مسلمانان در غرب.

نقش مسلمانان در غرب :

- اشتراک فعال در ساحه سیاسی و اجتماعی.
- احترام قوانین مدنی کشوری که در آن مسلمان اقامت دارد.
- تأسیس انجمن های اجتماعی و دعوتی فعال و علنی و باساز قوانین کشوری که مسلمانان در آنجا زندگی دارند.
- گرفتن عضویت احزاب سیاسی غرب خصوصاً احزابی که خطر آن بالای اسلام و مسلمانان کمتر باشد.
- اشتراک در انتخابات بلدییه ها و پارلمان ها و ریاست دولت.
- سهم فعال در خدمات اجتماعی (کارهای رضا کارانه) ، بطور مثال اشتراک در فعالیت های مکاتب و استادان مدارس ، کتابخانه ها و مراکز فرهنگی ، اشتراک در مناسبات ملی ، پاک کاری پارک ها و شفاه خانه ها و عیادت مریضان ، عیادت سالمندان از غیرمسلمانان ، سهم داشتن در مظاهرات و حمایت حقوق مواطنه ، شهروندی، سهم داشتن در اعتصابات کارگری ، عدم خیانت به مردم و عدم استفاده غیرقانونی از منابع عامه و کمک های دولتی . اشتراک مسلمانان با غربی ها و همکاری با ایشان سبب می شود که غربی ها در قضایای مسلمانان و کشور های اسلامی بی تفاوت نباشند. متأسفانه اکثر مسلمانان در اداء مسئولیت های خود بی تفاوت اند و اگر این روش فکری ادامه داشته باشد و عقل و روش عقلانی مسلمانان تغییر نکند موجودیت مسلمانان در غرب صدمه خواهد دید و کشور

اهانت به مقام رسول /

بزرگترین اهانت به مقام انبیاء علیهم السلام تکذیب رسالت شان بود. خداوند در سوره آل عمران آیه 137 نتیجه تکذیب مردم را از انبیاء بیان میکند و در همین سوره در آیه 139 مؤمنین را از اذیت و تکذیب رسل خبر میدهد و قرآن مؤمنین را امر می کند که نباید غمگین باشند و خداوند وعده می دهد که مؤمنین در نتیجه نصرت می یابند. { ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين } و نه به سستی و ضعف تن دهید و نه تسلیم غم و اندوه شوید و شما در مقام فتح و پیروزی و برتری خواهید بود اگر بر استی مؤمنان باشید.

در سوره یونس آیه 65 خداوند سبحانه و تعالی رسول خود را امر میکند که از گفتار و اذیت و اهانت و تکذیب مردم غمگین نباشد. { ولا يحزنك قولهم ان العزة لله جمعيا هو السميع العليم } و غمگین نه کند ترا سخن ایشان هر آئینه غلبه خدا را ست همه یک جا اوست شنوای دانا.

در آیات فوق و آیات دیگر خداوند سبحانه و تعالی رسول خود صلی الله علیه و سلم را از احوال انبیاء و انواع اذیت شان توسط مردم با خبر ساخت و قرآن بیان کرد که تمام انبیاء علیهم السلام در زمان شان اذیت و اهانت شدند و خداوند رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را در مقابل اهانت و اذیت مردم به صبر دعوت نمود. ما مسلمانان نیز باید در مقابل اذیت و اهانت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم صبر و حوصله داشته باشیم.

وفاء و احترام به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم باید از طریق نشر سیرت و سنت آنحضرت صلی الله علیه و سلم باشد نه به آتش زدن سفارتخانه ها و اموال عامه. عکس العمل مسلمانان باید در مقابل اذیت و اهانت به مقام رسالت مطابق تعلیمات قرآن و اخلاق صاحب رسالت باشد. مسلمانان برای رسیدن به هدف

و صاحب رسالت صلی الله علیه و سلم و مؤمنین ادامه دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و خانواده مبارک و اصحاب جلیل القدر شان انواع عذاب و اهانت را دیدند و از سنت الهی است که هر نبی از خود دشمنان خاص را دارد. در مراحل مختلف تاریخ اشخاصی بودند که نبوت و انبیاء را تکذیب کردند. در سوره الانعام آیه 34 می خوانیم: { و هر آئینه بدروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش از تو پس صبر کردند بر تکذیب خویش و رنجانیده شدن خویش تا آنکه بیامد بایشان نصرت ما و نیست هیچ تغیر دهنده وعده های خدا را و هر آئینه آمد به تو بعض خبر پیغامبران. } . خداوند سبحانه و تعالی در این آیه مبارکه رسول خود صلی الله علیه و سلم را از توهین و اذیت انبیاء ما قبل او خبر میدهد و رسول خود را در مقابل اذیت دشمنانش به صبر دعوت می نماید و وعده نصرت را میدهد و ما ایمان داریم که وعده خداوند تحقق می بخشد.

در آیه 112 سوره الانعام می خوانیم: { و همچنین پیدا کردیم برای هر پیامبری دشمن از شیطانهای انس و جن بطریق و سوسه القاء می کنند بعض ایشان بسوی بعض سخن ظاهر آراسته تا فریب دهند و اگر خواستی پروردگار تو نمی کردند این کار را پس بگذار ایشان را با فترای ایشان. }

در سوره الفرقان آیه 31 میخوانیم: { و همچنین ساخته ایم برای هر پیغمبر دشمنان از گناهگاران و بس ست پروردگار تو راه نما و نصرت دهنده. }

در سوره الاحزاب آیه 57 خداوند سبحانه و تعالی نتیجه ای اذیت و اهانت به پیغمبر را اینطور بیان میکند: { هر آئینه آنانکه می رنجانند خدا و پیغمبر او را لعنت کرد خدا ایشان را در دنیا و آخرت و مهیا ساخت برای ایشان عذاب خوار کننده. }

اهانت به مقام رسول /

حق ندارند از وسائل غیر مشروع استفاده کنند مثلیکه دیگران می کنند.

ما باید به جهان غرب و دشمنان اسلام توضیح دهیم که در حق رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و مسلمانان در خطا رفته اند و باید مقام و منزلت آنحضرت را بدانند که متأسفانه نمیدانند.

برای غربی ها باید توضیح نمائیم که بنام آزادی بیان و دیموکراسی ساختن جهان اسلام و شعار مبارزه علیه افراط گرایی شما علیه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و اسلام و مسلمانان قیام نموده اید و باید غربی ها فرق بین آزادی بیان و دشنام را بفهمند و غربی ها اولاً باید علیه افراط گرایی خود مبارزه نمایند زیرا افراط گرایان غرب نسبت به افراطی های شرق اسلامی خطرناکتر اند.

مسلمانان مقیم در کشورهای غربی وظیفه دارند تا سیرت و سنت و حقیقت اسلام را به مردم غرب تدریس نمایند و حقایق اسلام را شرح دهند و بهترین راه و روش انعقاد کنفرانسها و سمینارها و ساختن افلام و نشر کتب است. جوانان غرب معلومات شان از اسلام بسیار محدود میباشد و آن معلومات را از اسلام و صاحب رسالت دارند که دشمنان اسلام برای شان میدهند. وظیفه مساجد و مدارس و نشرات اسلامی در جهان غرب بسیار دشوار و سنگین است که متأسفانه بسیاری از مراکز اسلامی در اداء وظیفه خود ناکام میباشند.

مهاجرین افغان در غرب که فعلاً جزئی از غرب به حساب می آیند جهت حمایت اسلام و تقویت دعوت به آن لازم است با جامعه ای بزرگ اسلامی یکجا شوند و فکر افغانیت را مقدمتر از اسلام ندانند. امروز مسلمانان در غرب از هر وقت دیگر احتیاج به اتحاد و همکاری مشترک دارند و همکاری وقتی نتیجه میدهد که همه بصفت مسلمان واحد زندگی نموده اختلافات مذهبی و نژادی را کنار گذاشته برای رسیدن به هدف مقدس منافع شخصی و قومی خود را فراموش نمائیم. سکوت و بیطرفی در مقابل اهانت به مقام نبوت و اسلام کار مؤمن نیست و مؤمن و مسلمان نباید در مقابل حق سکوت نماید اما مسلمان باید در جواب اهانت از علم و دانش

اسلامی کار گیرد و عقل و فرهنگ و ثقافت اسلامی را بالاتر از عاطفه و احساسات بداند زیرا هر عملی که خارج از دایره علم و فرهنگ و سنت اسلام باشد نتیجه آن منفی و به ضرر مسلمانان تمام می شود. غرب امروز برای قبول اسلام از هر وقت دیگر آماده تر است و مسلمانان کاری نکنند که سبب توقف دعوت شوند. جنگ کلتوری و دینی در وقت حاضر به نفع دعوت اسلامی نمی باشد. امید است دانشمندان افغانی نظریات خود را در این مورد ابراز نمایند تا از تفاوت نظریات به یک نتیجه ای مثبت و بهتر برسیم.

صفحه از تاریخ معاصر افغانستان

1900 — 1930

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه برای مطالعه شما آماده است. شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گراف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم.*

قابل توجه خواهران و برادران گرامی**مطالعه اسلامی در باب:**

هنر و موسیقی

(جواز و عدم جواز)

اثر اینجانب، به طبع میرسد. خواهران و برادران که میخواهند در طبع کتاب کمک کنند، صدقه ای خود را به آدرس فقه اسلامی ارسال دارند. و یک جلد کتاب را بدست آورند.

Fazl Ghni Mogaddedi
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979-9489

WhatsApp (510) 673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com